



صفحه‌ی ۲

لیبرالیسم فراگیر؛ به پهنای یک ملت

قابل تامل

نیم‌نگاهی به مشکلات شهری مشهد

مردان جدید، قوانین جدید

شهرداری شهر خودمان ببینیم. یکی از معضلات بزرگی که در زمینه‌ی ساخت و ساز وجود دارد، قوانین و مقررات متغیر است. به طوری که با آمدن یک شورای شهر جدید و یک شهردار جدید همه چیز زیر و رو میشود و به همین علت امکان یک برنامه‌ریزی بلندمدت برای شهر وجود ندارد.

برای مثال زمانی در مشهد مجوز بلند مرتبه‌سازی ۳۰ طبقه حتی در یک کوچه‌ی ۸ متری هم داده می‌شد اما اکنون مجوز بلندمرتبه‌سازی با شرایط

برای شما هم پیش آمده که به دنبال به سرانجام رسیدن کاری باشید که به طور ناگهانی در حین کار متوجه شوید بایستی روال طی کرده را دوباره آغاز کنید و وقتی موضوع را پیگیری می‌شوید، در می‌یابید رئیس عوض شده است؛ رئیس جدید هم روال اداری جدیدی را بنیان‌گذاری می‌کند.

این مشکل همه‌جا کم و بیش دیده می‌شود. به طور مثال می‌توانیم این وضعیت را آشکارا در قوانین شهری و رویکرد

ویژه داده می‌شود. حتی آن زمان هم که مجوز داده می‌شد؛ به طور منسجم و برنامه‌ریزی شده نبود بلکه چون رویکرد شهرداری کسب درآمد بود، با پرداخت جریمه مجوز صادر می‌شد.

موازی‌کاری‌ها و تضادهای قانونی می‌باشد. آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی که با هم در تضاد هستند و در اجرا مشکل‌ساز می‌شوند. برای مثال برای گرفتن پایان‌کار یک ساختمان باید تاییدیه آتش‌نشانی و سازمان استاندارد (برای آسانسور) و... را داشت. حال هر کدام از این‌ها دستورالعمل خاص خودشان را دارند. چون این سازمان‌ها به طور منسجم برای ایمنی ساختمان و... دستورالعملی طراحی نکردند، به همین دلیل در حین اجرای دستورالعمل یک سازمان، متوجه می‌شوید که با دستورالعمل یک سازمان دیگر در تضاد است و به مشکل بر می‌خورید.

امید است روزی مسئولین شهری به این مسائل مهم اهمیت دهند و شهرمان را از معضلات شهری نجات دهند!

در حالی که بلند مرتبه‌سازی باید در یک بخش شهر محدود باشد و برای تعیین بخش مناسب شهر برای برج‌سازی از قبل باید تحقیقات لازم صورت بگیرد تا بتوان زیرساخت‌های لازم را فراهم آورد.

علاوه بر این‌ها برج‌ها و ساختمان‌های مرتفعی که در مشهد ساخته می‌شوند پراکنده هستند و ظاهر شهر را به جای مدرن بودن، بی‌نظم نشان می‌دهند، متأسفانه کمتر در توسعه‌ی شهری به زیباسازی شهر توجه شده است! مشکل دیگری که وجود دارد

سرمقاله

لیبرالیسم فراگیر؛ به پهنای یک ملت

آزادی‌خواهی نشأت گرفته از روشنفکری، صفت پسندیده‌ی هر ایرانی می‌باشد که همواره در عمل به جهانیان ثابت شده است. آزادی‌خواهی در اندیشه و کردار ایرانیان تفاوتی عظیم با تعریف آن در سایر ملت‌ها دارد و آن، این است که مردمان این سرزمین، آزادی را که در چارچوب تعالیم اسلام رنگ و بوی خاصی به خود می‌گیرد نه تنها برای خود، بلکه برای سایر ملت‌ها نیز خواستارند. از این رو با هر عاملی که آزادی را سلب کند مبارزه می‌نمایند.

مردم ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی با انقلاب در برابر رژیم ظالم شاهنشاهی، خود را از چنگال ظالمان آزاد ساختند و این قیام و حرکت عظیم مردمی که در روز ۲۲ بهمن به اوج خود رسید؛ به این روز رنگ و بوی خاصی بخشید تا آنجا که به عنوان مبنای سالگرد انقلاب اسلامی مطرح گشت. ایرانیان که آزادی را باز یافته بودند، مرحله‌ی عظیم تری از جهاد را در مقابل خود احساس کردند و آن را برای همه‌ی مردم جهان خواستار شدند.

مردم ایران که دشمنی خود با ظالمان جهان را همه ساله با برپایی مراسم راهپیمایی ابراز می‌دارند؛ با توجه به رفتارهای نمادین ظلم ستیزانه در دوران حکومت شاهنشاهی در ایران، حرکات نمادین را در سطح وسیع‌تری دنبال می‌نمایند. همان‌گونه که در زمان رژیم شاهنشاهی شعار مرگ بر شاه سر می‌دادند و پرچم شاهنشاهی را در خیابان‌ها به آتش کشیدند؛ در سال‌گردهای بعدی انقلاب نیز شعار مرگ بر حکومت‌های ظالم جهان نظیر آمریکا، اسرائیل و انگلیس سر می‌دهند و پرچم آن‌ها را به آتش کشیده یا لگد کوب می‌نمایند. با تحقق آرمان صدور انقلاب این حرکت مردمی در سایر ملل به ویژه کشورهای بیدار اسلامی به وفور مشاهده می‌گردد. به آتش کشیدن پرچم آمریکا حتی در ایالات متحده آمریکا نیز پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، توسط مخالفان و معترضان به ترامپ در خیابان‌های این کشور رخ داد.

در فراز و نشیب رخدادهای سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر، شبهه‌هایی حاکی از زیر سوال بردن این نوع رفتار و هدف مقدس آن مطرح گردید. برخی با نسبت دادن پرچم به عنوان نمادی برای آرمان‌ها و آرزوهای یک ملت، سعی در فراق‌کنی و ایجاد ذهنیت‌های منفی علیه

انقلابیون داشته و این حرکت را به منزله‌ی پیام دشمنی به کل آن ملت تلقی نمودند. برخی دیگر، در پی اعتراضات مردم آمریکا به مصوبه‌ی جدید دولت این کشور مبنی بر ممنوعیت ورود برای مردم هفت کشور اسلامی و تظاهرات آمریکایی‌ها برای حمایت از مسلمانان و به خصوص ایرانیان، حرکت پرچم‌سوزی را کاری زشت و دور از شان خوانده و خواستار ترک این رسم همه ساله شدند.

برای اثبات درستی یا نادرستی این مسئله دو دیدگاه وجود دارد:

الف) نظر مخالفان

برخی می‌گویند که چون پرچم هر کشور نماد تاریخ و شخصیت و اعتبار یک ملت می‌باشد، از همین رو دولت جمهوری اسلامی ایران باید در این باره موضع منفی داشته باشد و لذا مردم نیز به چنین اقدامی دست نزنند.

ب) نظر کسانی که موافق آتش کشیدن پرچم آمریکا یا انگلیس هستند. دلایل موافقت این افراد با این حرکت عبارتست از:

اول اینکه موضع منفی دولت در حد یک حرکت رسمی دولتی است و ربطی به خیزش مردم ستم‌دیده و ابراز انزجار از ستم‌های آمریکا به شکل کنونی ندارد، کما این که در بسیاری از نقاط دیگر جهان نیز چنین است.

دوم اینکه آتش زدن پرچم آمریکا توهین به مردم آمریکا نیست، هم‌چنان که رهبران نظام بارها اعلام کرده‌اند که ما با مردم آمریکا دشمن نیستیم، بلکه نشانه‌ی خشم علیه سیاست‌های استکباری و ظالمانه آمریکا می‌باشد و پرچم آمریکا به عنوان نماد و سمبل نظامی مستکبر و زورگو و خائن به حقوق بشر مورد نفرت همه ملل ستم‌دیده می‌باشد.

سوم اینکه آتش زدن پرچم آمریکا یا انگلیس حاوی این پیام برای مردم آن کشورهاست که بدانند دولت مردان آنها حیثیت و اعتبار بین‌المللی شان را لکه‌دار کرده‌اند، لاجرم بکشند که با دقت در انتخاب رهبران شان و اعتراض به عملکرد آنان موجبات تغییرات اساسی در سیاست خارجی کشورشان پدید آورند.

چهارم اینکه ابعاد توطئه آمریکا و انگلیس علیه مردم ایران عبارت می‌باشد از:

۱. کودتای آمریکایی، انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

۲. لغو قراردادهای تسلیحاتی با ایران بعد از

انقلاب.

۳. حمایت از تجزیه ایران.

۴. پشتیبانی از تروریسم بر ضد انقلاب اسلامی.

۵. جاسوسی دیپلمات‌های آمریکایی و تلاش آنها جهت بر اندازی نظام.

۶. توقیف اموال ایران در آمریکا.

۷. تحریم کامل اقتصادی و...

۸. حمله نظامی در ماجرای طبس.

۹. کودتای نوژه.

۱۰. حمایت آشکار آمریکا در جنگ از عراق و مداخله در جنگ به نفع عراق که تنها یکی از آنها سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران بر فراز آب‌های خلیج فارس و کشتن صدها مسافر آن بود.

۱۱. شدت بخشیدن به سیاست‌های خصمانه خود علیه نظام مقدس اسلامی از قبیل: تخصیص بودجه‌های کلان برای سرنگونی نظام اسلامی و راه‌اندازی رادوی آزادی برای تبلیغات گسترده بر علیه ایران و تضعیف مبانی اعتقادی مردم، محور شرارت خواندن ایران و تهدید ایران به حمله‌ی نظامی و...

همچنین انگلیس نیز دارای کارنامه‌ای به مراتب ننگین تر و سیاه تر از آمریکا در مورد ملت ایران است.

خلاصه‌ی کلام این‌که با توجه به ابعاد وسیع توطئه‌های آمریکا علیه ملت ایران، یکی از راه‌های نشان دادن خشم ملت ایران و اعتراض نسبت به سیاست‌های استکباری آمریکا، آتش زدن پرچم این قبیل کشورها می‌باشد. این حرکت نیز دو نتیجه در پی خواهد داشت: مردم آمریکا، یا حامی سیاست‌های ظالمانه راهبران شان هستند، بنابراین مردم آمریکا با توجه به نقش آن‌ها در انتخاب دولت مردان خود شریک جرم محسوب می‌شوند و در مقابل جنایات دولت مردان خود و تضییع حقوق ملل مظلوم جهان توسط آمریکا مسئول می‌باشند؛ پس اگر توهین به آنان نیز تلقی شود نابجا نیست، یا این‌که آنان حامی چنان سیاست‌هایی نیستند و مسیر خود را از سیاست‌مداران جدا می‌دانند، لاجرم این مسئله به معنای توهین به آنان نیست.

همان‌طور که در بالا اشاره شد نظرات موافقان و مخالفین این اعمال با دلایلی که هر دسته برای ادعای خود داشتند مطرح گردید؛ اما در این میان توجه به سخنان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و رهبری نیز راجع به رفتارهایی نظیر شعار سر دادن ها و پرچم سوزی خالی از لطف نمی‌باشد.

بازخوانی نظرات صحیح امام خمینی (ره) نشان می‌دهد ایشان در طول دوران مبارزه و پس از انقلاب هیچ اشاره‌ای حتی کوتاه در خصوص کنار آمدن با آمریکا نداشته

اند. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی رفتار مسامحه‌کارانه‌ی سران عرب در خصوص آمریکا را این‌گونه بیان می‌کنند: «از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست نشانندگان آمریکا آتش زدن پرچم آمریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و آمریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند.»

(صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۲۸۵)

امام جمهوری اسلامی را مصداق واقعی عمل «به مرگ بر آمریکا» این‌گونه معرفی می‌کنند: «ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده ایم، ما شعار «مرگ بر آمریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه‌ی فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده ایم.»

(صحیفه‌ی امام، ج ۱۳، ص ۸۱)

ایشان حتی نسبت به فراموش شدن شعار مرگ بر آمریکا در لوای شعارهای انحرافی هشدار دادند. در واقع با بررسی راحت و سهل سخنان امام خمینی می‌توان متوجه شد ایشان در هیچ برهه از عمرشان عقب نشینی در خصوص استکبار و به خصوص آمریکا نداشته‌اند.

رهبری نیز همچون امام (ره) بر واژه «مرگ بر آمریکا» تاکید دارند و در همین باره فرمودند: «دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملتی، یک وجهه‌ی عمومی ندارد. «مرگ بر آمریکا» دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛ در بسیاری از کشورها گفته می‌شود. یک دولت طرفدار ظلم، طرفدار جنگ، طرفدار انباشت تسلیحات، طرفدار سلطه‌ی بر ملت‌ها، طرفدار زورگویی، دخالت در همه جا، یک چنین عنوانی پیدا کرده؛ این هم یکی از نشانه‌هاست؛ بنابراین تحول در سطح جهان، یک امر قطعی است.»

در انتها با بررسی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان و نظریات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و رهبری کنونی ایران اسلامی و قصد و نیت مردم از این حرکت، این سوال مطرح می‌گردد که آیا ناآگاهی از اهداف راهپیمایی و حرکات نمادین مرسوم، موجب ایجاد این گونه افکار در میان برخی گردیده است یا تاثیرپذیری از رسانه‌های بیگانه و تلاش آن‌ها در فراق‌کنی نسبت به انقلابیون و حرکات آن‌ها و یا عوامل داخلی با هدف کسب منافع خاص؟